

بررسی اثربخشی مهارت های اجتماعی بر افزایش میزان انگیزه پیشرفت دانش آموزان غرب استان مازندران

عطیه بخشی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، مازندران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

عطیه بخشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

چکیده

به مجموعه مهارت‌هایی که به ما اجازه می‌دهند تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم، مهارت‌های اجتماعی می‌گویند. مهارت‌های بین فردی عملیاتی است که برای تعامل مؤثر با دیگران استفاده می‌شود. مهارت‌های بین فردی مربوط به مقوله‌های تسلط در برابر تسلیم، عشق در مقابل نفرت، وابستگی در مقابل پرخاشگری و کنترل در مقابل خودمختاری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر میزان افزایش انگیزه پیشرفت دانش آموزان شهرستان نوشهر انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر از کلیه دانش آموزان دختر مدرسه متوسطه دولتی شاهد شهرستان نوشهر و چالوس که در سه رشته علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی و فیزیک ۲۰۱ نفر بوده و در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بوده اند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۶۰ نفر از دانش آموزانی که در انگیزه پیشرفت نمرات پایینی کسب کردند در دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه انگیزه پیشرفت هر منس استفاده گردید. برنامه آموزش مهارت اجتماعی در ۷ جلسه نود دقیقه ای هفته ای دو بار برای دو گروه آزمایش اجرا شد، در حالیکه گروه کنترل هیچ نوع آموزشی را دریافت ننمودند. سپس از هر سه گروه دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل (پس از موعن بعمل آمده و داده ها با روش) آماری کواریانس (مانکوا) و به کمک نرم افزار SPSS-16 صورت گرفته است. یافته های تحقیق نشان داد که آموزش مهارت های اجتماعی بر انگیزه پیشرفت و آموزش مهارت های اجتماعی بر انگیزه پیشرفت مؤثر است. **واژگان کلیدی:** آموزش مهارت های اجتماعی، انگیزه پیشرفت، دانش آموزان.

مقدمه

مهارت‌های بین فردی مثبت شامل اقناع، گوش دادن فعال، تفویض اختیار و سرپرستی و سایر مهارت‌ها است. روانشناسی اجتماعی، یک رشته دانشگاهی متمرکز بر تحقیقات مربوط به عملکرد اجتماعی، نحوه یادگیری مهارت‌های بین فردی را از طریق تغییرات جامعه در نگرش، تفکر و رفتار مطالعه می‌کند.

مجموعه توانمندی‌هایی است که موجب موفقیت در زندگی اجتماعی فرد می‌شود. هر فرد برای زندگی موفق در یک جامعه، علاوه بر مهارت‌های فردی به مهارت‌های دیگری نیاز دارد که از آن به نام مهارت‌های اجتماعی یاد می‌کنند. مهارت‌های اجتماعی، مجموعه رفتارهای اکتسابی است که از طریق مشاهده، مدل سازی، تمرین و بازخورد آموخته می‌شود و دارای ویژگی‌های زیر است و رفتارهای کلامی و غیرکلامی را دربر می‌گیرند و پاسخ‌های مناسب و مؤثر را در بردارند، بیش تر جنبه ی تعاملی داشته، تقویت اجتماعی را به حداکثر می‌رسانند و بر اساس ویژگی‌ها و محیطی که فرد در آن واقع شده است، توسعه می‌یابند و از طریق آموزش رشد می‌کنند.

تعامل اجتماعی یا توانمندی‌های اجتماعی یعنی تعامل در جامعه، شناخت روحیه و احساسات درونی خود و دیگران و برخورد صحیح و متناسب با آن‌ها. رشد انسان مخصوصاً در سال‌های اولیه ی زندگی بدون برخورد‌های اجتماعی غیر ممکن یا بسیار ضعیف است، برخورد با مسائل احساسی، تجربه و تجزیه و تحلیل این احساسات و عواطف مثل بیان یک خواسته، قبول کردن، راندن و طرد کردن، خندیدن، لمس کردن، عشق، دوستی، دعوا، آشتی، تفاهم، ماتم، سعادت مشترک و احساس امنیت از مقدمات ضروری برای فراگیری در زندگی عاطفی و اجتماعی هستند. اگر این تجارب تکامل نیابند نه تنها توانایی‌های مشخص در ایجاد رابطه در رفتارهای اجتماعی را دچار خدشه می‌کنند بلکه موجب عقب ماندگی ذهنی و جسمی می‌شوند. غفلت‌های اجتماعی اگر به مدت طولانی ادامه داشته باشند ضایعات جبران ناپذیری را به دنبال خواهند داشت.

انگیزه پیشرفت عبارت است از نیروی انجام دادن خوب کارها نسبت به استانداردهای عالی. دیوید میک لند و جان اتکسنیون که ماهیت انگیزش پیشرفت را در چهل سال اخیر مطالعه کرده‌اند نیاز پیشرفت را اینگونه تعریف می‌کنند. جستجو کردن موفقیت در رقابت با استانداردهای عالی شخص با انگیزش پیشرفت نیرومند می‌خواهد در برخی از تکالیف چالش انگیز موفق شود. برای آنکه هر شخص توان بالقوه ی منحصر به فردی دارد، کودکانی که به شرایط ارزشی دچار می‌گردند، تا اندازه‌ای در درون خویش احساس ناامیدی می‌کنند. آن‌ها نمی‌توانند کاملاً مطابق با خواست دیگران عمل کنند، و با خود نیز روراست باشند. اما، این به این معنا نیست که ابراز خود ناگزیر به تعارض منجر می‌گردد. به باور کارل راجرز هنگامی که در تلاش برای رسیدن به توان بالقوه خویش، دچار ناکامی می‌گردیم، به دیگران آسیب می‌زنیم یا به شیوه‌های ضد اجتماعی رفتار می‌نماییم. اگر پدر و مادر و دیگران تفاوت‌هایمان را دوست بدارند و آن‌ها را تحمل نمایند ما نیز آن تفاوت‌ها را دوست خواهیم داشت. حتی اگر ترجیحات، توانایی‌ها و ارزش‌هایمان با یکدیگر متفاوت باشد. اما در بعضی از خانواده‌ها کودکان می‌آموزند که داشتن برخی باورها به ویژه در مورد موضوعات جنسی، سیاسی و مذهبی زشت است. از این رو هنگامی که می‌فهمند مورد تأیید والدین و بزرگ‌ترها نیستند، خود را شخصی نافرمان می‌بینند؛ و به احساس‌هایی چون حماقت و شیطنت دچار می‌شوند؛ بنابراین اگر بخواهند خودپنداره و عزت نفس سازگاری داشته باشند باید احساس‌های خویش را انکار و بخشی از وجود خود را پنهان نمایند. بدین ترتیب خودپنداره آن‌ها تحریف می‌گردد. بنابه گفته راجرز آگاهی از وجود احساس‌ها و تمایلات ناسازگار با خود پنداره تحریف شده موجب اضطراب می‌گردد و چون اضطراب ناخوشایند می‌باشد شخص تلاش می‌کند تا وجود احساس‌ها و تمایلات واقعی و اصیل خویش را انکار کند. به باور راجرز مسیر خود شکوفایی به روراست بودن با احساس‌های واقعی، پذیرفتن و عمل نمودن به آن‌ها نیاز دارد و این هدف اصلی روش روان درمانی راجرز یعنی درمان مراجع محور است. او معتقد بود که ما در باره اینکه چه کسی می‌توانیم باشیم، تصورات ذهنی داریم. این تصورات که خود آرمانی نام دارد ما را برمی‌انگیزد تا تفاوت بین خودپنداره و خود آرمانی را کاهش دهیم. افرادی که نیاز پیشرفت زیادی دارند در تکلیفی که به آنها گفته شده از نظر دشواری متوسط بهتر از افرادی که نیاز پیشرفت کمی دارند عمل می‌کنند. وی افراد با نیاز پیشرفت زیاد بهتر از افراد با نیاز پیشرفت کم در تکالیف آسان یا دشوار عمل نمی‌کنند و عملکرد در تکالیف نسبتاً دشوار برای فرد با نیاز پیشرفت زیاد مشوق مثبتی را فراهم می‌سازد که فرد با نیاز پیشرفت کم آن را تجربه نمی‌کند. فرد با نیاز پیشرفت زیاد به دنبال چالش متوسط است زیرا این نوع چالش مهارت و توانایی وی را بهتر می‌آزماید.

موفقیت از طریق مهارت خود شخص به فرد با نیاز پیشرفت زیاد این احساس را می‌دهد که کار وی خوب انجام شده است، احساس که اهمیت خاصی برای این افراد دارد. افراد با نیاز پیشرفت زیاد نه تنها تکالیف نسبتاً دشوار را ترجیح می‌دهند بلکه پایداری بیشتری نیز در این تکالیف دارند و پایداری کم در تکالیف آسان و دشوار افراد شدیداً پیشرفت‌گرا هنگام روبه رو شدن با شکست در تکالیف دشوار در مقایسه با افراد پیشرفت‌گرای کم پایداری زیادی نشان می‌دهند. افراد با نیاز پیشرفت زیاد عموماً استقامت بیشتری دارند و تا مدت زمان بیشتری به کار خود ادامه می‌دهند. رایج‌ترین شیوه اندازه‌گیری انگیزه‌های پیشرفت آزمون TAT است که توسط "هنری مورای" ارائه شده است. TAT مجموعه‌ای از تصاویر را به آزمودنی نشان می‌دهد و از او می‌خواهد تا داستانهای کوتاهی درباره وقایع نقاشی شده در هر تصویر بسازد. محتوا و موضوعی که فرد برای تصویر ارائه شده در قاب داستان ارائه می‌کند، می‌تواند بیانگر نیازها و انگیزه‌های پیشرفت باشند؛ مثلاً ممکن است فردی برای یکی از تصاویر آزمون TAT موضوع تلاش شخصی را برای راه یابی به دانشکده پزشکی، دکتر شدن و کشف درمان برای یک بیماری لاعلاج را مطرح کند چنین محتوایی یک موضوع مربوط به انگیزه پیشرفت است.

علاوه بر آزمون TAT مقیاسهای دیگری نیز برای بررسی انگیزه پیشرفت مورد استفاده قرار گرفته‌اند که مقیاسهای خود سنجی رواج بیشتری پیدا کرده‌اند چون راحت‌تر قابل اجرا و نمره گذاری و تفسیر هستند. در این میان می‌توان به مقیاس pmt هرمنزو پرسننامه انگیزش پیشرفت هلم دیچ و اسپنس اشاره کرد.

آموزش و پرورش نهادی ارزشی محسوب می‌شود که جامعه از آن انتظار دارد همواره یادگیری مهارتهای اجتماعی را در کنار آموزش سایر دروس بهبود بخشد. مدرسه باید مهارت های اجتماعی را به فراگیران آموزش دهد و فضایی مناسب را جهت تقوی این مهارت ها برای آنها فراهم کند و همچنین طریقه ارتباط برقرار کردن را به فراگیران بیاموزد. برای نیل به این هدف معلم نقشی بی بدیل دارد. کاربرد مهارتهای اجتماعی در زندگی دانش آموزان بسیار اهمیت دارد و این مهارت ها در دوره ابتدایی به سادگی آموزش داده می‌شود. وقتی دانش آموزان در خارج از مدرسه هستند این مهارتهای اجتماعی است که به آنها در برقراری ارتباط با دیگران کمک زیادی میکند، لذا باید به این امر مهم در آموزش و پرورش توجه داشت و با در نظر گرفتن اهمیت و میزان اثربخشی یادگیری در دوره ابتدایی لازم است تا این مهم در دوره ابتدایی مورد توجه ویژه قرار گیرد. آموزگاران مدارس ابتدایی باید شرایط و زمینه را برای تقویت این مهارت ها در فراگیران را فراهم کنند و همچنین برای گسترش مهارتهای اجتماعی از استراتژی هایی موثر استفاده کنند. از همین روی در این پژوهش که از لحاظ نوع، پژوهشی تحلیلی - توصیفی بوده و از لحاظ روش، پژوهشی کتابخانه ای می باشد، با بهره گیری از یافته های سایر اندیشمندان و صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت در دوره ابتدایی و نیز با بهره گیری از متون کتب و مقالات مرتبط، الزامات آموزش مهارتهای اجتماعی در دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان اینگونه نتیجه گیری شده است که با بهره گیری از استراتژی هایی از قبیل هنر سازش و مصالحه و ایجاد روحیه تعاون و همکاری در نزد دانش آموزان در دوره ابتدایی، بستر مناسبی برای آموزش سایر مهارتهای اجتماعی در سایر مقاطع برای دانش آموزان مهیا خواهد شد و در همین راستا نیز راهکارهایی برای آموزش مهارتهای اجتماعی به دانش آموزان دبستان ارائه شده است. (حضرتی و موسوی فر، ۱۳۹۷)

نتایج نشان داد که میزان f بدست آمده (۷۵ / ۶۲۰) در سطح $p > 0 / 001$ معنادار است و ۳۰ درصد واریانس مربوط به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ورزشکار به وسیله تفکر خوش بینانه و تفکر بدبینانه آن ها تبیین می شود ($R^2 = 0 / 301$). ضریب تاثیر تفکر بد بینانه ($\beta = - 0 / 280$) با توجه به آماره t (۰۰۵/۴-) و $p > 0 / 001$ نشان می دهد که این متغیر با احتمال ۰ / ۹۹ اطمینان تغییرات مربوط به پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می کند. ضریب تاثیر تفکر خوش بینانه ($\beta = 0 / 302$) با توجه به آماره t (۳۱۹/۴) و $p > 0 / 001$ نیز نشان می دهد که این متغیر با احتمال ۰ / ۹۹ اطمینان تغییرات مربوط به پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می کند. (حقی گلباغی، ۱۳۹۷)

بین خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار به میزان ۲۶/۰ وجود دارد و بین خودکارآمدی با انگیزش پیشرفت همبستگی مثبت و معنادار به میزان ۲۰/۰ وجود دارد و بین انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار به میزان ۳۶/۰ وجود دارد. خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت میتوانند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیشبینی نمایند و وضعیت خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت دانش آموزان وضعیت نسبتاً مطلوبی داشتند. (جانعلی نژاد، ۱۳۹۷)

صادقی، شاکری (۱۳۹۶) در پژوهش تحت عنوان اثر بخشی آموزش مهارت های فردی و اجتماعی و شناختی (مهارت های زندگی) بر انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان با بررسی نمونه ها نتایج نشان داد، آموزش مهارت های فردی و اجتماعی و شناختی بر انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان موثر بوده است. $p < 0.001$ نتیجه گیری: یافته ها بیانگر تاثیر آموزش مهارت های فردی و اجتماعی و شناختی بر انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان می باشد.

سال و کلبینیکی (۲۰۰۷) به بررسی مهارت های ارتباطی و مسائل رفتاری کودکان شبانه روزی و کودکان دارای خانه در سالهای پیش دبستانی پرداختند. در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که با آموزش مهارتهای ارتباطی کفایت اجتماعی و سلامت روان کودکان شبانه روزی افزایش یافت. کودکان شبانه روزی از مهارت های ارتباطی پایین تری نسبت به کودکان خانه دار بودند و مسائل رفتاری کودکان شبانه روزی نسبت به کودکان خانه دار بیشتر بود.

هالفورد^۱ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود تاثیر آموزش مهارتهای ارتباطی (یکی از مؤلفه های مهارتهای زندگی می باشد) را بررسی کردند و دریافتند که آموزش ارتباط در کاهش گسترش و پیدایش درماندگی و افسردگی افراد موثر است. مستند به ادبیات پژوهشی این مطالعه بر آن است تا بررسی اثر بخشی آموزش مهارتهای اجتماعی بر میزان و انگیزه پیشرفت دانش آموزان غرب استان مازندران بپردازد. در این راستا فرضیه مورد توجه قرار داد است:

فرضیه

فرضیه اصلی

بین اثر بخشی آموزش مهارت اجتماعی بر میزان و انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاهد تفاوت وجود دارد.

فرعی

آموزش مهارتهای اجتماعی بر میزان انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاهد مؤثر است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات آزمایشی با پیش آزمون-پس آزمون دو گروهی است که همراه با گروه کنترل است. برای تشکیل گروهها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی، نیمی آزمودنی ها را در گروه اول و نیمی را در گروه دوم جایگزین می کنیم. دو گروهی که به این ترتیب تشکیل می شود مشابه یکدیگر هستند. اندازه گیری متغیر وابسته برای هر دوی آنها در یک زمان و تحت شرایط صورت می گیرد.

روش نمونه گیری

از بین دانش آموزان دبیرستان دخترانه شاهد شهرستان نوشهر و چالوس که ۲۰۱ نفر بودند و در بین کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم این دبیرستان پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس اجرا شده از بین دانش آموزانی که در این پرسشنامه نمرات پایینی کسب کردند ۹۲ نفر بودند که ۶۰ نفر به عنوان اعضای نمونه به طور تصادفی ساده انتخاب و به طور تصادفی در شرایط مختلف آزمایش یعنی گروه کنترل و دو گروه آزمایش جایگزین شدند. به طوری که دو گروه ۲۰ نفری گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه کنترل بودند. برای دو گروه آزمایش ۷ جلسه نود دقیقه ای مهارتهای اجتماعی اجرا شد، در حالیکه گروه کنترل هیچ نوع آموزشی را دریافت نمودند.

ابزار اندازه گیری

در پژوهش حاضر از پرسشنامه و ابزارهای زیر استفاده شده است:

پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰)

¹ Holford

این پرسشنامه در سال ۱۹۷۰ توسط هرمنس ساخته شد .
 شکل گیری پرسشنامه : بر مبنای دانش نظری و تجربی موجود درباره نیاز به پیشرفت و بابررسی پژوهش های مربوطه در این زمینه این پرسشنامه شکل گرفت . پرسشنامه اولیه دارای ۹۲ سوال بود که بر مبنای ۱۰ ویژگی که تمایز کننده افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا از افراد با انگیزه پیشرفت پایین تشکیل شده است.
 پس از آموزش مجدداً پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و انگیزه پیشرفت هرمنس بر روی دانش آموزان هر دو گروه اجرا و داده های مورد لزوم استخراج و از طریق برنامه آماری SPSS مورد پردازش آماری قرار گرفتند

یافته ها

جدول ۱: توزیع ضریب همبستگی بین متغیر مهارت اجتماعی و انگیزه پیشرفت

متغیر	r	n	سطح معناداری
مهارت اجتماعی و انگیزه پیشرفت	۰/۴۱۲	۶۰	۰/۰۰۱
سطح معناداری در سطوح ۰/۰۱			

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که بین متغیر مهارت اجتماعی و انگیزه پیشرفت پیشرفت به میزان (۰/۴۱۲) همبستگی وجود دارد و این همبستگی کمتر از ۰/۹۰ است و اگر همبستگی بیشتر از ۰/۹۰ بوده باشد و تحلیل نیز اگر معنادار باشد سهم نسبی هر کدام از متغیر وابسته ها مشخص نیست.

جدول ۲: مفروضه برابری خطای واریانس ها

سطح معناداری	df	d.f	F	
۰/۰۰۰	۵۷	۲	۲۰/۳۰۳	پس تست مهارت اجتماعی
۰/۲۷۷	۵۷	۲	۱/۳۱۴	پس تست انگیزه پیشرفت

در بررسی مفروضه همگنی واریانس ها، چون سطح معناداری پس تست انگیزه پیشرفت بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا داده ها، مفروضه تساوی خطای واریانس ها را زیر سؤال نبرده است. ولی چون سطح معناداری پس تست مهارت اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ است لذا داده های مهارت اجتماعی ، مفروضه تساوی ولی خطای واریانس ها را زیر سؤال برده اند .

جدول ۴: مقایسه تفاوت میانگین ها بین گروه آموزش مهارت های اجتماعی و گروه کنترل درمیزان انگیزه پیشرفت

سطح معناداری	P	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین ها	
p			D.M	
۰/۰۰۰۱	p<۰/۰۰۰۵	۰/۶۰۹	۷/۱۲۱	گروه آموزش مهارت های اجتماعی گروه کنترل

با توجه به نتایج جدول (۴-۱۷) F محاسبه شده (p=۰/۰۰۰۱، f(۱،۵۵)=۱۳۶/۷۶۴)

چون به سطح معناداری p=۰/۰۰۰۱ از سطح (P=۰/۰۰۵) کوچکتر است و F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار است که نتیجه نشان می دهد آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش انگیزه پیشرفت موثر است. و با آزمون مقایسه تفاوت میانگین های دو گروه مشخص می شود که بین میانگین آموزش مهارت های اجتماعی و گروه کنترل به میزان (۷/۱۲۱) تفاوت وجود دارد که این تفاوت از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با عنایت به معنادار شدن تفاوت میانگین ها با ۰/۹۹ اطمینان بیان می کنیم که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاهد مؤثر است، تأیید می شود.

جدول ۵: تحلیل کواریانس بین آموزش مهارت‌های اجتماعی و گروه کنترل در میزان انگیزه پیشرفت

سطح معناداری p	F	میانگین مجزورات	d.f	مجموع مجزورات S.S	
۰/۰۰۰۱	۱۵/۶۰۳	۱۹۴/۱۳۲	۱	۱۹۴/۱۳۲	پس تست انگیزه پیشرفت
		۱۲/۴۴۲	۵۵	۶۸۴/۲۸۷	خطا

جدول ۶: مقایسه تفاوت میانگین‌ها بین گروه آموزش مهارت‌های اجتماعی و گروه کنترل در میزان انگیزه پیشرفت

سطح معناداری p	P	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین‌ها D.M	
۰/۰۰۰۱	p<۰/۰۰۰۵	۱/۱۵۵	۴/۵۶۱	گروه آموزش مهارت‌های اجتماعی گروه کنترل

با توجه به نتایج جدول (۴-۱۹) F محاسبه شده (p=۰/۰۰۰۱، $f_{(1,55)}=۱۵/۶۰۳$)

چون سطح معناداری $p=۰/۰۰۰۱$ از سطح معناداری ($P=۰/۰۰۵$) کمتر است و F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار است نتیجه نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر میزان انگیزه پیشرفت مؤثر است. و با مقایسه تفاوت میانگین‌های دو گروه مشخص می‌شود که بین میانگین آموزش حل مسئله و گروه کنترل به میزان (۴/۵۶۱) تفاوت وجود دارد که این تفاوت از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با عنایت به معنادار شدن تفاوت میانگین‌ها با ۰/۹۹ اطمینان بیان می‌کنیم که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آموزش مهارت‌های اجتماعی به میزان انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاه مؤثر است، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

بی تردید آموزش مهارت‌های اجتماعی، زمینه بسیار مهمی برای کار با دانش آموزان با نیازهای ویژه آموزشی است. باید به خاطر سپرد که آموزش دادن مهارت‌های اجتماعی در کلاس، ارزش محدودی دارد. مهارت‌های اجتماعی را باید تا جایی که ممکن است در موقعیت‌های طبیعی آموزش داد، همچنین برای تضمین اینکه دانش - آموزان پیام‌های واضحی را درباره رفتارهای اجتماعی قابل قبول و غیرقابل قبول دریافت کنند، لازم است تمامی مربیان مدرسه و والدین دانش‌آموزان با اهداف برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی موافق باشند، آن‌ها را درک کرده و به طور مستمر تقویت کنند.

آموزش مهارت‌های اجتماعی بر میزان انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاهد مؤثر است. با توجه F محاسبه شده ($p < ۰/۰۰۰۵$) $f_{(1,55)}=۱۵/۶۰۳$ ، چون سطح معناداری $p=۰/۰۰۰۱$ از سطح معناداری ($P=۰/۰۰۵$) کمتر است و F محاسبه شده از لحاظ آماری معنادار است نتیجه نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر میزان انگیزه پیشرفت مؤثر است. و با مقایسه تفاوت میانگین‌های دو گروه مشخص می‌شود که بین میانگین آموزش حل مسئله و گروه کنترل به میزان (۴/۵۶۱) تفاوت وجود دارد که این تفاوت از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با عنایت به معنادار شدن تفاوت میانگین‌ها با ۰/۹۹ اطمینان بیان می‌کنیم که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آموزش مهارت‌های اجتماعی به میزان انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاه مؤثر است، تأیید می‌شود.

محدودیت پژوهش

۱- با توجه به گستردگی و حجم زیاد مطالب آموزشی محدودیت زمانی یکی از عمده ترین مشکلاتی بود که در پژوهش ذهن پژوهشگر را به خود مشغول ساخته بود که تاثیر این عامل در پژوهش را نمی‌توان نادیده گرفت.

۲- تمرکز بر روی دانش آموزان دختر و نیز سنین خاص یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر است که نباید مورد غفلت قرار گیرد بدین خاطر در تعمیم پذیری نتایج باید دقت و احتیاط شود.

۳- در این پژوهش به دلیل اینکه از مجموعه ای از تکنیک های آموزشی استفاده شده است در نتیجه اثر اختصاصی هر کدام به طور جداگانه مشخص نشده است.

۴- عدم شناخت و آگاهی نسبت به پژوهش ها خصوصا پژوهش های روانشناسی سبب شده برخی از افراد در اجرای تست مقاومت نشان دهند و از قبول همکاری و اجرای آن خود داری کنند.

۵- عدم توانایی برای کنترل کامل متغیرهای ناخواسته از قبیل: متغیرهای شخصیتی، وضعیت روانی (حافظه، استعداد، رغبت و...) عاطفی (خلق و خوی و هیجانات و...)، شرایط اقتصادی و اجتماعی آزمودنی.

پیشنهادهای پژوهش

هر پژوهش بر حسب بررسی موضوع مورد مطالعه خود پیشنهاداتی در جنبه های مختلف ارائه می دهد این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست که در ذیل به طور مختصر به آنها اشاره می شود .

۱- نمونه ها با حجم بزرگتری مورد مطالعه قرار بگیرد.

۲- در انتخاب نمونه ها هم از دانش آموزان دختر و هم از دانش آموزان پسر استفاده شود.

۳- در باز آزمایی مجدد این روش آموزش از سایر گروههای سنی و طبقات اقتصادی و اجتماعی استفاده شود.

۴- قرار دادن آموزش ابراز وجود به عنوان یک واحد درسی در کلیه مقاطع تحصیلی دانش آموزان در مدارس یک ضرورت احساس می شود.

منابع و مراجع

- [۱] جانعلی نژاد، عطیه، ۱۳۹۷، بررسی رابطه خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان جاسک، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی
- [۲] حضرتی، عباس و پروین موسوی فر، ۱۳۹۷، بررسی الزامات آموزش مهارتهای اجتماعی به دانش آموزان دوره ابتدایی، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- [۳] حقی گلباغی، مریم، ۱۳۹۷، رابطه بین انگیزه، پیشرفت و امید به آینده در دانش آموزان ورزشکار شهرستان دلفان، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- [۴] خسروی، محمدعلی، ۱۳۹۵، مقایسه اثر بخشی آموزش مهارت حل مسیله و هیجان مدار بر میزان عزت نفس و انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان مقطع متوسطه، سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، با همکاری مشترک موسسه آموزش عالی علامه خویی، دانشگاه زرقان-واحد پژوهش دانش پژوهان همایش آفرین.
- [۵] صادقی، مرضیه و شاکری، روح ا.، ۱۳۹۶، اثر بخشی آموزش مهارت های فردی و اجتماعی و شناختی (مهارت های زندگی) بر انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان، پنجمین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران، تهران
- [۶] گلکار، فرزانه و شیوا احمدی، ۱۳۹۶، رابطه مهارتهای اجتماعی و جو عاطفی خانواده با گرایش به اعتیاد در دانش آموزان پسر، چهارمین کنفرانس بین المللی نوآوری های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، دانشگاه نیکان،
- [7] Majocha, Kristen L.; Mullennix, John W.. (2018). They're Monstrous! Teaching Flashed Face Distortion to Improve Speaking Apprehension Contemporary Issues in Education Research, v11 n2 p39-42 2018.
- [8] -cooper – smith's (2003) the antecedents of self – esteem , free man and company sanfrancisco'p,38.
- [9] Yildiz, Mehmet Ali. (2017). Multiple Mediation of Self-Esteem and Perceived Social Support in the Relationship between Loneliness and Life Satisfaction Journal of Education and Practice, v8 n3 p130-139 2017.